

رابطه‌ی جنسیت و عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری

بی‌تا مشایخی*، مهدی محمدآبادی**

چکیده: در سال‌های اخیر تعداد پذیرفته‌شدگان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دختر رشته‌ی حسابداری در مقاطع مختلف آموزش عالی افزایش چشم‌گیر داشته است. صاحب‌نظران و محققان این رشته درصدد برآمده‌اند به تبیین تفاوت‌هایی بردازند که ممکن است بین دختران و پسران در زمینه‌های علمی و عملی حسابداری وجود داشته باشد. هدف این تحقیق نیز تحلیل این موضوع است که آیا می‌توان شواهدی در حمایت از این نظر (طرز تفکر) یافت که حسابداری یک رشته‌ی تحصیلی مردانه است. در این راستا پژوهش حاضر به تحلیل تأثیر جنسیت بر عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری می‌پردازد. در این تحقیق، دانشجویان حسابداری دانشگاه تهران - در حال گذراندن درس اصول حسابداری ۳- نمونه‌ی مورد تحلیل هستند و فرضیه‌های تحقیق با استفاده از مدل توان‌مندی‌های آموزشی اسپیرمن^۱ آزمون می‌شوند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در صورت کنترل اثرات تبعی توان‌مندی‌های آموزشی، در حمایت از این فرضیه که جنسیت تأثیری مهم بر عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری بر جای می‌گذارد، شواهد تجربی قابل قبولی وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، عمل‌کرد آموزشی، مدل توان‌مندی‌های آموزشی اسپیرمن

مقدمه و طرح مسئله

در سه دهه‌ی اخیر، در کشورهای توسعه‌یافته تحولات اساسی در جایگاه‌های کلیدی مرتبط با رشته و حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی رخ داده است. افزایش مشارکت زنان و کاهش تدریجی انحصار مردان در تصاحب جایگاه‌های کلیدی علمی و شغلی، از تحولاتی بوده که در اغلب کشورهای توسعه‌یافته‌ی دنیا به وقوع پیوسته است. این تحول چنان دامنه‌دار و گسترده بوده است که حتی برخی صاحب‌نظران معتقدند که کلیشه‌ها و پارادایم‌های موجود (که از «مردانه بودن» حسابداری در تئوری و عمل حکایت دارند) در

mashaykhi@ut.ac.ir

mahdimohammadabadi@gmail.com

* استادیار گروه حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۳/۰۴

1. Spearman's model of academic ability

آینده‌ی نزدیک جای خود را به کلیشه‌ها و دیدگاه‌های جدید خواهند داد (کانلار و بریستول^۲، ۱۹۸۸: ۲۰). کشورهای درحال توسعه نیز به تدریج از این تحولات تأثیر پذیرفته‌اند و جایگاه علمی و شغلی زنان آن‌ها به صورت محسوس ترقی یافته است. به موازات افزایش سهم زنان و مشارکت روزافزون آنان در پیشرفت‌های علمی و عملی حسابداری، جامعه‌ی حسابداران خود را با این پرسش مواجه دید که آیا نسل جدید حسابداران (که اغلب آنان را زنان تشکیل می‌دهند) در زمینه‌ی کسب صلاحیت‌های علمی و عملی لازم با نسل قبلی (که اغلب آنان را مردان تشکیل می‌دهند) تفاوتی محسوس دارند؟

در راستای پاسخ به این سؤال تحقیقات فراوانی انجام شده است که می‌توان از آن‌ها با عنوان «تحقیقات با رویکرد جنسیتی در حسابداری» یاد کرد. هدف از انجام این پژوهش‌ها یافتن پاسخ‌های مناسب برای پرسش‌های ذیل است: آیا بین زنان و مردان در یادگیری مباحث علمی حسابداری و حسابرسی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود تفاوتی معنادار وجود دارد؟ (بارزلتون^۳، ۱۹۹۸: ۵۱۰). آیا بین زنان و مردان به لحاظ توان آموزشی لازم برای ادامه‌ی تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته‌ی حسابداری تفاوتی عمده وجود دارد؟ تعداد مقاله‌ها و فعالیت‌های علمی و پژوهشی کدامیک (زنان یا مردان) بیشتر است؟ (راما و کولینز^۴، ۱۹۹۷: ۱۱۴؛ سایر و هم‌کاران^۵، ۱۹۷۰: ۲۰۰۰؛ کرینج و هم‌کاران^۶، ۲۰۰۳: ۲۰۴).

تحقیق حاضر نیز پژوهشی با رویکرد جنسیتی در حسابداری و به دنبال تحلیل تفاوت‌های احتمالی در عملکرد آموزشی پسران و دختران دانشجوی حسابداری است. شایان ذکر است که بین حضور زنان و مردان در حرفه‌های مرتبط با رشته‌ی حسابداری نیز تفاوتی محسوس وجود دارد، اما از آن‌جا که برای یافتن دلایل وجود این تفاوت‌ها به اطلاعاتی نیاز است که بیشتر آن‌ها در حال حاضر در دسترس نیستند، پژوهش حاضر توجه خود را فقط به تفاوت در عملکرد آموزشی بین دو جنس معطوف می‌دارد. در ایران، که کشوری درحال توسعه است، تحصیل در رشته‌ی حسابداری به دنبال تغییر در ساختار جنسیتی پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها دچار تحولاتی شده است. با توجه به آمارهای موجود می‌توان دریافت که تحول در بُعد علمی در حال حاضر به تغییرات رخ داده در مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی محدود می‌شود.

². Canlar, M., Bristol, J.T.

³. Brazelton Julia K.

⁴. Rama, D. collins, R.

⁵. Sayre, T.L., S.A. Holmes, J.R. Hassieback, R.H. Strawser, and B.J. Rowe.

⁶. Carnegie, G. Mcwatters, C. Ptter, B.

رابطه‌ی جنسیت و عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری ۷۵

جدول (۱): مشارکت زنان و دختران در مقاطع کاردانی و کارشناسی آموزش عالی^۷

گروه‌ها	مقطع تحصیلی		کاردانی		کارشناسی	
	زن	جمع	درصد	زن	جمع	درصد
پذیرفته‌شدگان سال ۸۶-۸۷	۵۸۹۳	۱۱۶۴۱	۵۱	۲۶۸۹۶	۴۱۳۱۸	۶۵
دانشجویان سال ۸۶-۸۷	۳۵۷۹۰	۷۰۶۹۹	۵۱	۱۱۰۴۷۷	۱۹۸۱۹۵	۵۶
دانش‌آموختگان سال ۸۵-۸۶	۵۱۳۳	۹۹۱۴	۵۲	۲۳۱۸	۷۴۴۸	۴۵

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ به ترتیب ۵۱ و ۶۵ درصد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی در مقطع کاردانی و کارشناسی حسابداری را دختران تشکیل می‌دهند. در همین سال، دختران حایز اکثریت دانشجویان حسابداری در این دو مقطع نیز بوده‌اند. آن‌ها هم‌چنین در بین دانش‌آموختگان مقطع کاردانی در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ اکثریت را در اختیار داشته‌اند. با این حال همان‌طور که در جدول ۲ قابل مشاهده است، در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی زنان حضور کمتری نسبت به مردان دارند. این امر می‌تواند سبب شود که در آینده‌ی نه‌چندان دور، در ایران نیز مانند دیگر کشورها (ایین^۸، ۲۰۰۱: ۳۲) زنان نسبت به مردان تعداد کمتری از اعضای هیئت علمی صاحب‌نظر در حسابداری و حسابرسی را تشکیل دهند.

جدول (۲): مشارکت زنان و دختران در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی آموزش عالی^۹

گروه‌ها	مقطع تحصیلی		کارشناسی ارشد		دکتری تخصصی	
	زن	جمع	درصد	زن	جمع	درصد
پذیرفته‌شدگان سال ۸۶-۸۷	۱۰۵	۳۲۹	۳۲	۶	۲۰	۳۰
دانشجویان سال ۸۶-۸۷	۵۷۴	۲۴۳۵	۲۴	۲۲	۱۱۷	۱۹
دانش‌آموختگان سال ۸۵-۸۶	۲۰	۱۶۰	۱۳	۱	۴	۲۵

ارقام ارائه‌شده در جداول یک و دو مبین آن هستند که اکنون گرایش‌های روبه‌رشد در بین دختران در زمینه‌ی ادامه‌ی تحصیلات عالی در رشته‌ی حسابداری وجود دارد. از این‌رو ضروری به نظر می‌رسد که

^۷ آمار مندرج در جداول یک و دو از کتاب و بانک اطلاعاتی «آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶»، گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی - مهرماه ۱۳۸۷، استخراج شده است. در برخی موارد منبع مذکور دارای نقایصی مانند عدم احتساب پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد است. از آن‌جا که به نظر می‌رسد با در دسترس قرار گرفتن اطلاعات کامل‌تر استنباط به‌عمل‌آمده در خصوص مشارکت زنان در آموزش عالی نه‌تنها تضعیف نخواهد شد، بلکه تقویت نیز می‌شود در این تحقیق به همین ارقام اتکا می‌شود.

^۸ Euben, D.

^۹ منبع: کتاب و بانک اطلاعاتی «آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶»، گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی - مهرماه ۱۳۸۷.

تحقیقاتی با رویکرد جنسیتی در حسابداری در ایران نیز انجام شود. نتایج این تحقیقات (حداقل) از یک سو به کسانی که رشته‌ی حسابداری را برای تحصیل انتخاب می‌کنند کمک می‌کند تا آینده‌ی تحصیلی و کاری خود را بهتر ارزیابی کنند و از سوی دیگر به مراجع مسئول آموزش عالی و به‌ویژه جوامع علمی و حرفه‌ای حسابداری کمک خواهد کرد به ارزیابی تغییرات بنیادی رخ داده در ساختار جنسیتی حسابداران (و حسابرسان و در صورت لزوم انجام برخی تغییرات) بپردازند. تاکنون و به‌دلیل حضور گسترده‌ی مردان در حسابداری و کسب موفقیت‌های علمی و عملی فراوان آن‌ها، این تلقی وجود داشته است (و دارد) که تحصیل و به‌ویژه کار موفق در زمینه‌های مرتبط با حسابداری و حسابرسی، بیشتر یک امر «مردانه» است تا «زنانه». اکنون با رخداد تغییرات تدریجی و در عین حال اساسی در ساختار جنسی دانشجویان حسابداری، تحقیق حاضر درصدد است این تلقی را به‌بوته‌ی آزمایش بگذارد. به‌صورت خلاصه؛ تحقیق حاضر به مطالعه‌ی عمل‌کرد آموزشی دانشجویان این رشته می‌پردازد تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا جنسیت دانشجویان تأثیری بر عمل‌کرد آموزشی آنان و پیشرفت‌های بالقوه‌ای که می‌توانند داشته باشند، دارد؟

در حال حاضر سهم زنان در حرفه‌ی حسابداری و به‌ویژه حسابرسی به اندازه‌ی مشارکت آنان در فعالیت‌های علمی مرتبط با حسابداری محسوس نیست. متأسفانه آماری دقیق از زنانی که در حسابداری شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف به کار مشغولند در دست نیست تا بتوان با استناد به آن به مطالعه‌ی سهم زنان در انجام خدمات حسابداری پرداخت، اما همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، بالغ بر ۹۵/۱ درصد حسابرسان (یا اصطلاحاً حسابداران رسمی - کسانی که از مراجع ذی‌صلاح مجوز انجام حسابرسی و نه فقط انجام خدمات حسابداری، دارند) مرد و ۴/۹ درصد آن‌ها زن هستند. از آن‌جا که اغلب افراد پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی وارد بازار کار می‌شوند می‌توان گفت که موج حضور زنان در حال پیمودن عرصه‌ی علمی حسابداری است و هنوز به قلمرو بازار کار وارد نشده است. بنابراین وجود تفاوت فاحش بین مردان و زنان در زمینه‌ی حضور در مشاغل حرفه‌ای مرتبط با حسابداری تا حدی قابل توجیه است. وجود این توجیه، همراه با در دسترس نبودن اطلاعات لازم، مانع از مطالعه‌ی چرایی وجود این تفاوت‌ها در تحقیق حاضر می‌شود.

جدول (۳): وضعیت زنان در حرفه‌ی حسابداری^{۱۰}

وضعیت زنان در حرفه‌ی حسابداری			جنس
درصد	جمع	زن	
۵/۶	۱۴۴	۸	شاغلان انفرادی
۷/۴	۲۵۸	۱۹	شاغلان در استخدام سازمان حسابداری
۳/۴	۸۸	۳	شاغلان در مؤسسات عضو
۴/۵	۴۴۲	۲۰	غیر شاغلان
۴/۲	۵۹۹	۲۵	مؤسسات عضو
۴/۹	۱۵۳۱	۷۵	جمع

در ادامه و در بخش ادبیات تحقیق، مروری بر تحقیقاتی خواهیم داشت که با روی‌کرد جنسیتی در حسابداری انجام شده‌اند. سپس، فرضیه‌های تحقیق بیان خواهد شد و بحثی درباره‌ی روش تحقیق ارائه می‌شود. در قسمت‌های بعدی به ترتیب: یافته‌های تجربی تحقیق، نتایج و محدودیت‌های این پژوهش تبیین می‌شوند.

مبانی نظری

در سال‌های اخیر تحقیقاتی قابل توجه در خصوص مشارکت زنان در آموزش عالی کشور انجام شده است. بررسی و تحلیل تغییرات جایگاه‌های شغلی زنان دانشگاهی (جانعلی زاده، ۱۳۸۶)، بررسی تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار متخصص (فراستخواه، ۱۳۸۳)، بررسی سهم زنان در تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی (حقیقی و اکبری، ۱۳۸۴)، مطالعه‌ی تطبیقی عمل‌کرد آموزشی دانشجویان دختر و پسر (عبداللهیان، ۱۳۸۵)، بررسی مشکلات شغلی زنان دانشگاهی (جوهری و دریاپور، ۱۳۸۷)، بررسی باورهای برنامه‌ریزان درسی در خصوص تفاوت‌های شناختی دختران و پسران (صمدی، ۱۳۸۴) و مطالعه‌ی کارآیی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دختران (کریم‌زاده و محسنی، ۱۳۸۵) از این پژوهش‌ها هستند.

یافته‌های این تحقیقات نشان می‌دهد که با وجود افزایش سهم زنان در آموزش عالی (حقیقی و اکبری، ۱۳۸۴: ۹۶)، آنان کماکان از وجود تفاوت‌های جنسیتی در آموزش و پیشرفت‌های شغلی تأثیر می‌پذیرند (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۱۵۹). برخی محققان معتقدند که فقدان تعادل جنسیتی؛ در هنجارها، نگرش‌ها، ساختارها، نظام‌های حقوقی و خطمشی‌ها و برنامه‌های کشور ریشه دارد و تا زمانی که توسعه‌ی نهادی کافی صورت

^{۱۰}. منبع: پایگاه اینترنتی جامعه حسابداران رسمی ایران به نشانی www.iacpa.ir.

نگیرد، به قوت خود باقی خواهد بود (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۱۶۰). دیگر محققان علاوه بر این و با توجه به نظریه‌ی تفاوت‌های بیولوژیکی زنان و مردان، نظریه‌ی ریزش^{۱۱}، مکانیزم‌های ممانعت^{۱۲}، نظریه‌ی کمبودها^{۱۳} و ... (جانعلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۸؛ جانعلی‌زاده و هم‌کاران، ۱۳۸۷: ۵۵)، به توجیه وجود و چرایی تفاوت‌های جنسیتی می‌پردازند. هرچند شاید بتوان تحقیقاتی مانند «مطالعه‌ی تطبیقی عمل‌کرد علمی دانشجویان دختر و پسر در ۳۵ دانشگاه ایران» (عبداللهمیان، ۱۳۸۵) را به موضوع این پژوهش مرتبط دانست، اما می‌توان گفت که تا کنون در خصوص تأثیر جنسیت بر عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری (یا هر رشته‌ی خاص دیگری) تحقیقی انجام نشده است در حالی که در دیگر کشورها عده‌ی بسیاری از پژوهش‌گران، هم در خصوص رشته‌ی حسابداری و هم در خصوص حرفه‌ی حسابداری (و حسابرسی) به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند. به همین دلیل در این بخش به مرور تحقیقات خارجی خواهیم پرداخت. تحقیقات مرتبط، به سه گروه اصلی تقسیم و مرور خواهند شد. این گروه‌ها عبارتند از: تحقیقات مرتبط با عمل‌کرد آموزشی دانشجویان در مقطع کارشناسی، تحقیقات مرتبط با عمل‌کرد علمی - آموزشی دانشجویان حسابداری در مقاطع تحصیلات تکمیلی و تحقیقات مرتبط با وضعیت علمی، پژوهشی و کاری اعضای هیئت علمی که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس حسابداری می‌پردازند.

نتایج و یافته‌های تحقیقات مرتبط، با عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری متفاوت و گاهی با یکدیگر متناقض هستند. فراسر و هم‌کاران^{۱۴} (۱۹۷۸: ۱۹) و هنکز و شیبواسوامی^{۱۵} (۱۹۸۵: ۱۵۶) به این نتیجه رسیدند که نمرات اکتسابی دختران در دروس مرتبط با رشته‌ی حسابداری بهتر از پسران است. از سوی دیگر، لیپ^{۱۶} (۱۹۸۹: ۱۴۷) به شواهدی دست یافت که نشان می‌داد عمل‌کرد پسران در رشته‌ی حسابداری اندکی بهتر از دختران است. نتایج بیز و نش^{۱۷} (۱۹۸۹) حاکی از آن بود که دختران فقط در برخی از دروس این رشته مانند حسابداری میانه و سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، بهتر از پسران عمل کرده‌اند. در پژوهشی مشابه، تاپسون^{۱۸} (۱۹۸۹: ۱۵۹) نشان داد که در دروس مقدماتی و پایه‌ی حسابداری

11 Pipeline theory

12 Exclusionary mechanisms

13 Deficit theory

14 Fraser, A. lytle, R. & stole, C.

15 Hanks, G., shivaswamy, M.

16 Lipe, M.G.

17 Bayes, P.E, and nash, J.F.

18 Tyson, T.

مانند اصول حسابداری، پسران نسبت به دختران عمل‌کرد آموزشی بهتری داشته‌اند. هسل و جویس^{۱۹} (۲۰۰۲: ۱۵۱) نشان دادند که به‌طور متوسط، دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر درکی سطحی‌تر از مباحث حسابداری صنعتی و مدیریت دارند. بارزلتون^{۲۰} (۱۹۹۸: ۵۲۸) با تحلیل عمل‌کرد آموزشی دختران و پسران به این نتیجه رسید که پسران دانشجو نسبت به دختران دارای عمل‌کردی بهتر بوده‌اند. او بهتر بودن عمل‌کرد پسران را برخاسته از روحیات و رفتارهای آن‌ها می‌داند. از نظر او، پسران مشارکتی فعال‌تر در کلاس دارند و بر خلاف دختران، نظرات خود را راحت‌تر بیان می‌کنند. کنش‌گر بودن پسران و واکنش اساتید در مقابل آنان، روی‌هم‌رفته به آن‌ها کمک می‌کند درکی بهتر از مطالب درسی و بالطبع، عمل‌کرد آموزشی بهتری داشته باشند. در نهایت، کانلار و بریستول^{۲۱} (۱۹۸۸: ۲۳) با تحلیل نمرات دانشجویان حسابداری در دروس حسابداری صنعتی، حسابداری میانه و حسابداری پیشرفته به این نتیجه رسیدند که بین نمرات دانشجویان دختر و پسر تفاوتی معنادار وجود ندارد. کیف و راش^{۲۲} (۱۹۹۷: ۳۲۷) که به کنترل اثرات خودنگاره‌ها و توان‌مندی آموزشی عمومی دانشجویان پرداختند نیز به نتیجه‌ای مشابه کانلار و بریستول دست یافتند. رسیدن به این نتایج گوناگون می‌تواند ناشی از تحلیل نمونه‌های متفاوت یا روش‌های تحقیق مختلف و اغلب ناهمگون محققان باشد.

گروهی از محققان به مطالعه‌ی عمل‌کرد آموزشی و پژوهشی دانشجویان حسابداری پرداخته‌اند که در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) مشغول به تحصیل هستند. در این زمینه نیز نتایجی گوناگون به‌دست آمده است که نمی‌توان به‌راحتی بین آن‌ها رابطه‌ای منطقی برقرار کرد. تحقیقات اولیه در این زمینه حاکی از سبقت گرفتن زنان بر مردان در انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی بود. برای مثال، راما و کولینز^{۲۳} (۱۹۹۷: ۱۲۲) با سنجش زنان و مردانی که در مقطع کارشناسی ارشد حسابداری مشغول به تحصیل بودند نشان دادند که تعداد مقالات و آثار پژوهشی زنان در مقایسه با مردان به‌گونه‌ای معنادار بیشتر است. کرینج و هم‌کاران^{۲۴} (۲۰۰۳: ۲۰۶) همانند راما و کولینز افزایش سهم زنان در انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی مرتبط با حسابداری را تأیید کردند. با این حال، یافته‌های آن‌ها نشان داد که هم‌چنان مردان سهمی

19. Hassall, J and Joyce, F.

20. Brazelton Julia K.

21. Canlar, M., Bristol, J.T.

22. Keef, S. M, Roush.

23. Rama, D. collins, R.

24. Carnegie, G. Mcwatters, C. Ptter, B.

بیشتر در انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی مرتبط با رشته‌ی حسابداری دارند. تحقیقات دیگری که در همین مورد انجام شدند (ولش و برمسر^{۲۵}، ۲۰۰۵: ۳۵؛ سایر و هم‌کاران^{۲۶}، ۲۰۰۰: ۲۱۱؛ دیوایر^{۲۷}، ۱۹۹۴: ۲۴۲) نیز حاکی از آن بود که به‌طور متوسط، مردان مقالات و آثار پژوهشی منتشرشده‌ی بیشتری نسبت به زنان دارند. در انتهای این بخش مروری خواهیم داشت بر تحقیقاتی که مبین عمل‌کرد علمی، پژوهشی و آموزشی مدرسان حسابداری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی هستند. بر خلاف دو حوزه‌ی ذکرشده، در این حوزه در زمینه‌ی وجود تفاوت‌های جنسیتی، اشتراک نظر بیشتری بین محققان وجود دارد که در ادامه به مرور نظرات و یافته‌های برخی از آن‌ها می‌پردازیم. نورگارد^{۲۸} (۱۹۸۹: ۲۶) نشان داد که فقط ۲۳ درصد از زنانی که در دانشگاه یا دیگر مؤسسات آموزش عالی به تدریس اشتغال دارند دارای درجه‌ی دانشیاری یا استادی و ۴۱ درصد از آن‌ها دارای درجه‌ی استادیاری یا مربیگری بوده‌اند. این تعداد پایین باعث می‌شود شمار زنانی که در حسابداری دارای درجات علمی بالا هستند، در مقایسه با مردان بسیار اندک به نظر برسد. در پژوهشی مشابه، سافتنر^{۲۹} (۱۹۸۸: ۶۳) به این نتیجه رسید که تعداد مردانی که در حسابداری استاد به شمار می‌روند شانزده برابر تعداد زنان است. شواهد تجربی که کارولفی و پیلسبری^{۳۰} (۱۹۹۶: ۱۵۶) جمع‌آوری کردند حاکی از آن بود که یک‌سوم مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌هایی که در آن‌ها حسابداری تدریس می‌شود، فاقد هرگونه عضو هیئت علمی یا مدرس زن هستند و ۳۲ درصد آن‌ها حداکثر یک مدرس زن دارند.

دلایل مختلفی برای حضور کم‌رنگ زنان در عرصه‌ی تدریس حسابداری ذکر شده است. برخی از محققان وجود تبعیض‌های جنسیتی را عامل این موضوع می‌دانند. برای مثال؛ دیوایر^{۳۱} (۱۹۹۴: ۲۴۱)، کولینز و هم‌کاران^{۳۲} (۱۹۹۸: ۲۹۷) و لینر و تانر^{۳۳} (۱۹۹۹: ۸۰) با تحلیل زنانی که در محیط‌های علمی به تدریس می‌پردازند به این نتیجه رسیدند که زنان از وجود تبعیض جنسی در زمینه‌ی دست‌مزدها یا ترفیحات رنج می‌برند. این زنان معتقدند با این‌که در مقایسه با مردان ساعات بیشتری به تدریس، مشاوره با دانشجویان و

25. Welsh, M.J & Bremser, W.G.

26. Sayre, T.L., S.A. Holmes, J.R. Hassleback, R.H. Strawser, and B.J. Rowe.

27. Dwyer, P.

28. Norgaard, C.

29. Saftner, D.V.

30. Carolfi, I., and C. Pillsbury.

31. Dwyer, P.

32. Collins, A., B. Parrish, and D. Collins.

33. Lanier, P., and J. Tanner.

رابطه‌ی جنسیت و عمل کرد آموزشی دانشجویان حسابداری ۸۱

شرکت در جلسات کارگروه‌های آموزشی می‌پردازند، حقوق و مزایای نسبی کمتری دریافت می‌کنند و مسیر پیشرفت را با سرعت کمتری می‌پیمایند. گراهام و هم‌کاران^{۳۴} (۱۹۸۵: ۹۷) با تحلیل روند حاکم بر پیشرفت زنان و مردان عضو هیئت علمی که به تدریس حسابداری اشتغال دارند به این نتیجه رسیدند که به‌علت وجود جَو و مردسالارانه در محیط‌های دانشگاهی، زنان در مقایسه با مردان با دقت و سخت‌گیری بیشتری ارزیابی می‌شوند. آنان مواردی را مشاهده کردند که با وجود اختصاص دادن ساعات بیشتری به تدریس، مشاوره با دانشجویان و شرکت فعال در جلسات کمیته‌ها و گروه‌های آموزشی، عمل کرد زنان ضعیف ارزیابی شده بود. مطالعه فوهرر و شیلینگ^{۳۵} (۱۹۸۵: ۳۹) در همین زمینه حاکی از آن بود که این‌گونه تبعیض‌ها در محیط‌های آموزشی و علمی به‌صورت غیررسمی^{۳۶} اعمال می‌شود.

گروه دیگری از پژوهش‌گران با وجود این‌که وجود این‌گونه تفاوت‌ها را می‌پذیرند، در عین حال معتقدند که عامل جنسیت نمی‌تواند در ایجاد چنین تفاوت‌هایی اثرگذار باشد. برای مثال ایبن^{۳۷} (۲۰۰۱: ۳۵) معتقد است که تبعیض‌های جنسی عامل اصلی حضور کم‌رنگ و نامحسوس زنان در عرصه‌ی تدریس حسابداری نیست. به نظر او؛ اساسی‌ترین عاملی که سبب شده است امروز تعداد کمی از زنان عضو هیئت علمی گروه حسابداری مشغول به کار باشند یا تعداد کمی از آنان دارای درجات بالایی علمی باشند، این است که در دهه‌های گذشته زنان به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی حسابداری تمایل کمی نشان داده‌اند. سایر و هم‌کاران^{۳۸} (۲۰۰۰: ۲۱۰) نیز به این نتیجه رسیدند که از نظر حقوق و مزایا، بین اعضای هیئت علمی و مدرسان حسابداری تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد که نه به عامل جنسیت، بلکه به عواملی چون تجربه، سابقه‌ی کاری و تعداد مقالات و آثار پژوهشی منتشرشده قابل انتساب است.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به آن‌چه در بخش قبلی ارائه شد می‌توان انتظار داشت که در ایران نیز بین عمل کرد آموزشی دانشجویان دختر و پسر تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. بدین ترتیب فرضیه‌ی اصلی تحقیق این‌گونه بیان می‌شود: «جنسیت تأثیر بااهمیتی بر عمل کرد آموزشی دانشجویان حسابداری دارد».

³⁴. Graham, D. L., P. Oreilly, and E. I. rawlings.

³⁵. Fuehrer, A., and K.M. schilling.

³⁶. Unregulated Discriminations

³⁷. Euben, D.

³⁸. Sayre, T.L., S.A. Holmes, J.R. Hassleback, R.H. Strawser, and B.J. Rowe.

مطالعه‌ی ادبیات آموزش و روان‌شناسی آموزشی زمینه‌ای مناسب برای تفکیک این فرضیه به دو فرضیه‌ی جداگانه فراهم می‌آورد. در ادبیات آموزش و روان‌شناسی آموزشی، در مورد ساختار واقعی توان‌مندی‌های آموزشی و اجزای آن بحث‌ها و مطالعات فراوانی انجام شده است. حاصل این پژوهش‌ها را می‌توان در قالب دو مکتب فکری طبقه‌بندی کرد. یکی از این مکاتب معتقد به وجود توان‌مندی‌های خاص و مستقل از یکدیگر است. گولفرد^{۳۹} (۱۹۹۷)، یکی از طرفداران این نظریه، توان‌مندی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از بالغ بر ۱۵۰ تابع برای تحلیل و پردازش انواع مختلف اطلاعات به روش‌ها و شکل‌های مختلف».

در مقابل، برخی صاحب‌نظران معتقدند که یک عاملی اساسی و مشترک، توان‌مندی عمومی آموزشی را شکل می‌دهد. اسپیرمن^{۴۰} (۱۹۰۴) مدعی است که یک عامل اساسی و مشترکی در شکل دادن به توان‌مندی‌های آموزشی همه‌ی افراد دخیل است و آن‌را هوش عمومی^{۴۱} یا عامل جی^{۴۲} می‌نامد (کیف و راش، ۱۹۹۷: ۳۲۳). در واقع می‌توان بخشی از عمل‌کرد آموزشی را متأثر از یک عامل عمومی دانست و درصدی از تغییرات در سطح عمل‌کرد آموزشی که عامل هوش عمومی قادر به توضیح آن نیست را به توان‌مندی خاص آموزشی دانشجو در درس‌های یک رشته‌ی دانشگاهی منتسب کرد.

در تحقیق حاضر، از مدل‌ها و مفاهیم اسپیرمن برای سنجش عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری استفاده می‌کنیم. اسپیرمن برای سنجش عمل‌کرد آموزشی مدل ذیل را پیشنهاد کرده است:

$$\text{SCORE}_{i,j} = a_0 + a_1g_i + a_2S_{i,j} + \text{Error}_{i,j} \quad \text{مدل (۱)}$$

که در آن متغیرها به شرح زیر تعریف می‌شوند:

Score: نشان‌دهنده‌ی عمل‌کرد فرد i ام در درس j ام است.

g_i : توان‌مندی عمومی آموزشی فرد i ام است. g عامل مشترک یادگیری بین تمام دورس است.

$S_{i,j}$: توان‌مندی خاص آموزشی فرد i ام در درس j ام را نشان می‌دهد.

a_0 و a_1 و a_2 : ضرایب حاصل از رگرسیون حداقل مربعات معمولی هستند.

$\text{Error}_{i,j}$: خطاهای تصادفی ناشی از برآورد رگرسیون است.

³⁹ Guilford

⁴⁰ Spearman

⁴¹ General intelligence

⁴² G factor

رابطه‌ی جنسیت و عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری ۸۳

با این توضیح اکنون فرضیه‌ی اصلی تحقیق را به دو فرضیه در شکل‌های زیر تجزیه می‌کنیم:
فرضیه‌ی یک: «حتی در صورت کنترل توان‌مندی‌های آموزشی عمومی دانشجویان، جنسیت تأثیری بااهمیت بر عمل‌کرد آموزشی خواهد داشت».

فرضیه‌ی دو: «حتی در صورت کنترل توان‌مندی‌های آموزشی عمومی دانشجویان و نیز توان‌مندی خاص آنان در دروس حسابداری، جنسیت تأثیری بااهمیت بر عمل‌کرد آموزشی خواهد داشت».

همان‌طور که مشاهده می‌کنید فرضیه‌ی اصلی تحقیق با توجه به نظرات اسپیرمن تعدیل شده است و توان‌مندی‌های عمومی و خاص آموزشی در آن لحاظ شده‌اند. برای این که روی‌کرد به‌کاررفته برای انجام تحقیق بهتر درک شود به طرح یک مثال می‌پردازیم: یک دانشجوی دختر و یک دانشجوی پسر را در نظر بگیرید که دارای تجارب آموزشی یکسان هستند. چنان‌چه نمرات یا معدل نمرات این دانشجویان در پایان دوره‌ی آموزشی، یکسان باشد می‌توان گفت که جنسیت تأثیری بر عمل‌کرد آموزشی نداشته است و اگر نمرات یا معدل آن‌ها دارای تفاوتی معنادار باشند می‌توان این تفاوت را به جنسیت نسبت داد. اما به نظر می‌رسد این نتیجه‌گیری تا حدی ساده‌انگارانه باشد. حالت دیگری را در نظر بگیرید که در آن دو دانشجو مانند مثال قبل دارای تجارب آموزشی یکسانی هستند، اما علایق درسی و معدل نمرات آن‌ها در ابتدای دوره با یکدیگر تفاوتی محسوس دارد. در این حالت، تفاوت نمرات یا معدل نمرات این دانشجویان در پایان دوره، علاوه بر جنسیت، به توان‌مندی‌های آموزشی و انگیزه‌های آنان نیز قابل انتساب است. به‌عبارت دیگر؛ انتظار می‌رود که همواره یک دانشجوی به اصطلاح درس‌خوان و علاقه‌مند به موضوع درس، نسبت به یک دانشجوی معمولی نمره‌ی بهتر کسب کند. به همین دلیل کنترل توان‌مندی‌های آموزشی و علایق درسی برای تحلیل عمل‌کرد آموزشی دانشجویان ضروری است. کنترل این عوامل سبب می‌شود بتوان به‌صورت قابل‌اتکاتری به برآورد تفاوت در عمل‌کرد آموزشی پرداخت که قابل انتساب به جنسیت است.

روش تحقیق

نمونه‌ی مورد تحلیل:

تحقیق حاضر به تحلیل نمونه‌ای از دانشجویان حسابداری دانشگاه تهران می‌پردازد. این دانشجویان در حال گذراندن یکی از دروس مقدماتی رشته‌ی حسابداری با عنوان «اصول حسابداری ۳» بودند. این دانشجویان حداقل دو نیمسال تحصیلی را در دانشگاه سپری کرده‌اند زیرا پیش از گذراندن این درس باید حداقل در دو

درس اصول حسابداری ۱ و اصول حسابداری ۲، نمره‌ی قبولی کسب کرده باشند. در ضمن آن‌ها به تازگی از نمرات میان‌ترم خود که ۲۰ درصد نمره‌ی نهایی آن‌ها را تشکیل می‌دهد، مطلع شده بودند. نمونه‌ی اولیه‌ی تحقیق از ۸۳ دانشجو در دو کلاس تشکیل شده بود که استاد واحدی آن‌ها را اداره می‌کرد و در هر دو کلاس نیز منبع درسی مشترک تدریس می‌شد. از این تعداد، یک نفر از دانشجویان در امتحانات غیبت داشت و به همین دلیل اطلاعات مرتبط با او ناقص بود. بدین ترتیب در نهایت، اطلاعات مربوط به نمرات ۸۲ نفر تجزیه و تحلیل شد.

این اطلاعات با تحلیل و واکاوی داده‌های آرشویی نمرات دانشجویان که در دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران یا نزد مدرس اصول حسابداری ۳ نگه‌داری می‌شده است به‌دست آمده است.

مدل‌های تجربی تحقیق:

برای آزمون اولین فرضیه‌ی تحقیق که در آن توان‌مندی آموزشی عمومی کنترل می‌شود، از مدل ذیل استفاده خواهد شد:

$$\text{SCORE-FE} = a_1 \text{BA} + a_2 \text{GENDER} + \text{error} \quad \text{مدل (۲):}$$

در برآزش این مدل، توان‌مندی‌های خاص آموزشی کنترل نمی‌شوند و برای عملیاتی کردن مفهوم توان‌مندی آموزشی عمومی، با توجه به روش مورد استفاده‌ی کیف و راش (۱۹۹۷) از معدل نمرات نیمسال‌های قبلی دانشجو (در دروس اصول حسابداری ۱ و ۲) استفاده خواهد شد که به‌صورت اختصاری BA نمایش داده می‌شود. در واقع در مقایسه با مدل (۱) g_i با BA جای‌گزین و S_{ij} حذف شده است. GENDER متغیری موهومی (مجازی)^{۴۳} با دو سطح صفر و یک برای نمایش جنسیت دانشجویان مورد مطالعه است، ضمن آن‌که برای تسهیل تجزیه و تحلیل‌ها، از گنجانیدن جمله‌ی ثابت در مدل خودداری شده است. بدین ترتیب، فرضیه‌ی اول تحقیق در قالب فرضیه‌های آماری به شکل زیر قابل تحلیل خواهد بود:

$$H_0: a_2 = 0$$

$$H_1: a_2 \neq 0$$

برای آزمون تجربی دومین فرضیه‌ی تحقیق از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$\text{SCORE-FE} = b_1 \text{BA} + b_2 \text{SMT} + b_3 \text{GENDER} + \text{error} \quad \text{مدل (۳):}$$

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در مقایسه با مدل (۱)، در این مدل g_i با BA و S_{ij} (توان‌مندی خاص دانشجو

⁴³. Dummy variable

رابطه‌ی جنسیت و عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری ۸۵

در درس مورد مطالعه) با نمره‌ی دانشجو در امتحان میان‌ترم (SMT) درس اصول حسابداری ۳ جای‌گزین شده است. بدین ترتیب، فرضیه‌ی دوم تحقیق در قالب فرضیه‌های آماری به شکل زیر قابل تحلیل است:

$$H_0: b_3=0$$

$$H_1: b_3 \neq 0$$

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تجربی تحقیق:

همان‌گونه که پیش از این گفتیم، در سال‌های اخیر تحولات اساسی در گرایش دختران به رشته‌ی حسابداری رخ داده است. نمونه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق نیز از این امر مستثنی نیست به‌نحوی که از مجموع ۸۲ دانشجوی مورد مطالعه، حدود ۳۳ درصد (۲۷ نفر) را پسران و ۶۷ درصد دیگر (۵۵ نفر) را دختران تشکیل می‌دادند. از آن‌جا که در هر دو کلاس مورد مطالعه، استادی واحد به تدریس پرداخته و به هر دو گروه نیز کتابی واحد تدریس شده است، می‌توان دانشجویان دو کلاس را معادل یک کلاس در نظر گرفت. بنابراین در جدول ۴، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق به تفکیک کلاس ارائه نشده است.

جدول (۴): آمار توصیفی متغیرهای مربوط به عمل‌کرد آموزشی

متغیرها	آماره‌های توصیفی	نماد	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
نمره‌ی پایان ترم	SCORE-FE	۱۵/۵۴	۷/۵	۲۰	۴/۳۸	
نمره‌ی میان‌ترم	SMT	۱۶/۳۳	۱۱	۲۰	۲/۹۳	
معدل نمرات دو نیم‌سال قبلی	BA	۱۵/۴۶	۶/۲۵	۲۰	۴/۵۶	

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از رگرسیون چندمتغیره به‌طور عام و از تکنیک تحلیل کواریانس^{۴۴} به‌طور خاص استفاده کرده‌ایم. تکنیک تحلیل کواریانس روشی پیچیده‌تر از تحلیل واریانس^{۴۵} است که در آن علاوه بر تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، تأثیر متقابل متغیرهای مستقل بر یکدیگر نیز در نظر گرفته می‌شود. اگر متغیرهای مستقل بر یکدیگر تأثیر داشته باشند، تحلیل کواریانس قدرت بیشتری در تبیین روابط احتمالی خواهد داشت. استفاده از این آزمون آماری مستلزم وجود پیش‌فرض‌های خاصی است که عبارتند از: نرمال

44. ANCOVA

45. ANOVA

بودن توزیع خطاها و برخوردار بودن توزیع مزبور از یک واریانس ثابت برای کلیه سطوح متغیرهای مستقل و همگون و متجانس بودن ضرایب متغیرهای مستقلی که برای برآورد متغیر وابسته وارد مدل شده‌اند. برای تحلیل وجود این مفروضات از آزمون ام‌باکس و نیز آزمون مجموع مربعات انباشته^{۴۶} استفاده می‌شود. نتایج آزمون فرضیه‌های یک و دو در خصوص عمل‌کرد آموزشی دانشجویان در درس اصول حسابداری ۳ در جداول ۵ و ۶ ارائه شده‌اند.

همان‌طور که جداول ۵ و ۶ نشان می‌دهند متغیر جنسیت در هیچ‌یک از دو مدل تحلیل شده تأثیری بااهمیت و معنادار بر نمرات نهایی دانشجویان نداشته است. در مقابل، در هر دو مدل، معدل نمرات دانشجویان در نیمسال‌های قبلی که از آن برای عملیاتی تعریف کردن توان‌مندی عمومی آموزشی استفاده شده بود بیشترین تأثیر ممکن را بر عمل‌کرد آموزشی داشته است. پس از توان‌مندی عمومی آموزشی، متغیر سطح نمرات در امتحان نیمسال بالاترین تأثیر را بر عمل‌کرد آموزشی داشته است.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه‌ی یک (مدل ۲) در خصوص عمل‌کرد آموزشی دانشجویان^{۴۷}

آزمون پیش فرض‌های تکنیک تحلیل کواریانس:			
M باکس		۱۲/۶۲ (P = ۰/۱۸۵)	
جمع مربعات انباشته‌ی توضیح داده‌شده توسط متغیرها و عامل‌ها		۴۵۰۹۸ (P = ۰/۶۵) و یک درجه آزادی	
آزمون تکنیک تحلیل کواریانس:			
معدل نمرات نیمسال‌های قبلی دانشجو ^{۴۸}	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	معناداری
۱	۱	۹۰۴/۱۷	< ۰/۰۰۰
جنسیت ^{۴۹}	۱	۷۹۸/۰۱	< ۰/۷۷۱
توضیح داده‌شده ^{۵۰}	۲	۱۷۰۲/۱۸	
باقی‌مانده ^{۵۱}	۷۹	۸۸۶۲/۹۸	
مجموع ^{۵۲}	۸۱	۱۰۵۶۵/۱۶	

در مجموع، شواهدی قابل اتکا در حمایت از فرضیه‌های یک و دو وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که عمل‌کرد آموزشی، از جنسیت مستقل است. البته همان‌طور که پیش از این گفتیم، این نتیجه‌گیری وقتی قابل قبول است که به کنترل توان‌مندی‌های آموزشی عمومی و خاص دانشجویان پردازیم.

^{۴۶} منظور از این آزمون، آزمون مجموع مربعات انباشته‌ی ای است که توسط متغیرها توضیح داده‌می‌شود.

^{۴۷} SCORE-FE = a₁BA + a₂GENDER + error

^{۴۸} BA

^{۴۹} GENDER

^{۵۰} Explained

^{۵۱} Residual

^{۵۲} Total

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه‌ی دو (مدل ۳) در خصوص عمل کرد آموزشی دانشجویان^{۵۳}

آزمون پیش فرض‌های تکنیک تحلیل کواریانس:			
M باکس			$(P=0/67) 13/68$
جمع مربعات انباشته‌ی توضیح داده شده توسط متغیرها و عامل‌ها $(P=0/86) 28056$ و دو درجه آزادی)			
معناداری	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	آزمون تکنیک تحلیل کواریانس:
$<0/015$	۱۴۵۶/۳۳	۱	معدل نمرات نیمسال‌های قبلی دانشجو
$<0/042$	۸۱۷/۳۲	۱	نمره دانشجو در امتحان میان‌ترم ^{۵۴}
$<0/63$	۱۲۱/۹۳	۱	جنسیت
-----	۲۳۹۵/۵۸	۳	توضیح داده شده
-----	۱۲۵۶۱/۷۷	۷۸	باقی مانده
-----	۱۴۹۵۷/۳۵	۸۱	مجموع

نتیجه گیری

با توجه به آمارهای موجود، در سال‌های اخیر تحولاتی گسترده با ماهیت جنسیتی در دو بعد علمی و عملی حسابداری در سایر کشورها و در بعد علمی حسابداری در ایران رخ داده است. ابتدا در کشورهای توسعه یافته و سپس در کشورهای درحال توسعه، زنان به تدریج سهم بیشتری از آموزش حسابداری در سطح عالی را به خود اختصاص داده‌اند. با وجود این، حضور پررنگ زنان در عرصه‌ی علمی و دانشگاهی حسابداری، همواره با حضور کم‌رنگ آنان در مشاغل مرتبط با حسابداری و حسابرسی همراه بوده است. نتایج تحقیقاتی که برای یافتن چرایی وجود این تفاوت‌ها انجام شده است نشان می‌دهد در حالی که زنان پای بندی بیشتری به اخلاق کاری و آیین رفتار حرفه‌ای حسابداران و حسابرسان دارند و نیز کار خود را با دقت بیشتر و اشتباه کمتر انجام می‌دهند، در بلندمدت کمتر به آنان فرصت‌های رشد کاری بالقوه داده می‌شود. برخی صاحب نظران نیز بر این عقیده‌اند که تبعیض جنسیتی در محیط کارهای حسابداری و حسابرسی وجود ندارد، بلکه شرایط خاص این مشاغل مانند پیچیدگی کار، جابه‌جایی متعدد محل کار، مسافرت‌ها و مأموریت‌های پیاپی و ساعات طولانی کار به‌ویژه در انتها و ابتدای سال مالی شرکت‌ها، باعث می‌شود که روی هم رفته استقبال کمتری از زنان به عمل آورند.

⁵³ SCORE-FE=b₁BA+b₂SMT+b₃GENDER+error

⁵⁴ SMT

با مشاهده‌ی روند روزافزون حضور زنان در عرصه‌ی علمی حسابداری طی سال‌های اخیر، جوامع حرفه‌ای و آکادمیک حسابداری همواره درصدد یافتن پاسخ این سؤال بوده‌اند که آیا اصلاً زمینه‌ی لازم برای حضور زنان در عرصه‌ی علمی (و عملی) حسابداری وجود دارد؟ در این مورد تحقیقات زیادی با رویکردهای مختلف انجام شده است. یکی از این رویکردها، تحلیل عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری با تأکید بر جنسیت آن‌هاست. مسئله‌ی اصلی این‌گونه تحقیقات که پژوهش حاضر نیز در زمره‌ی آن‌ها قرار می‌گیرد این است که آیا حسابداری برای دختران یک رشته‌ی تحصیلی مناسب است یا نه؟ آیا دختران پس از ورود به دانشگاه می‌توانند هم‌پای پسران به موفقیت و پیشرفت‌های تحصیلی دست یابند؟ آیا توان‌مندی‌های دختران و پسران در (حداقل) مباحث تئوری حسابداری یکسان است؟ و

تحقیقاتی که پیش از این در خصوص تأثیر جنسیت بر عمل‌کرد آموزشی (در دیگر کشورها) انجام شده است، نتایجی گوناگون در پی داشته است. صاحب‌نظران معتقدند که رسیدن به این نتایج متفاوت ناشی از محدودیت‌هایی است که این پژوهش‌ها با آن مواجه‌اند. ناتوانی تحقیقات مزبور برای کنترل اثرات متغیرهای تعدیل‌کننده و مداخله‌گر، یکی از چالش‌برانگیزترین محدودیت‌ها به شمار می‌رود. در تحقیق حاضر، برای غلبه بر این محدودیت که می‌تواند روایی داخلی پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد، تجزیه و تحلیل در مورد نمونه‌ای از دانشجویان انجام شد که همه‌ی آن‌ها در حال گذراندن درسی مشابه با استادی واحد بودند. هم-چنین با توجه به ادبیات آموزش و روان‌شناسی آموزشی سعی شد توان‌مندی‌های عمومی آموزشی دانشجویان (عامل جی) و نیز توان‌مندی‌های خاص آنان در حسابداری کنترل شود.

تجزیه و تحلیل انجام‌شده نشان می‌دهد که جنسیت تأثیری معنادار و بااهمیت بر عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری نداشته است. بنابراین نمی‌توان فرضیه‌ی اصلی تحقیق و دو فرضیه‌ی فرعی استخراج‌شده از آن‌را در سطحی مناسب از معناداری پذیرفت. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بین پسران و دختران از نظر عمل‌کرد آموزشی آن‌ها در رشته‌ی حسابداری تفاوتی معنادار وجود ندارد. این نتیجه‌گیری به این معناست که پاسخ سؤال اصلی تحقیق، مثبت است. به عبارت دیگر؛ دختران پس از ورود به دانشگاه می‌توانند هم‌پای پسران به پیشرفت‌های تحصیلی در حسابداری دست یابند. جنسیت آنان (با وجود برداشت‌های «مردانگاران»ی موجود از رشته‌ی حسابداری) نمی‌تواند باعث پیش افتادن پسران از آنان شود.

در تحقیق حاضر، کنترل عوامل مداخله‌گر تقریباً در بهترین حالت ممکن انجام شده و در نتیجه، روایی درونی تحقیق افزایش یافته و قاعدتاً از روایی بیرونی و تعمیم‌پذیری آن کاسته شده است. این

موضوع، خود از محدودیت‌های این تحقیق به شمار می‌رود. علاوه بر این، تحقیق حاضر فقط به کنترل تعدادی از متغیرهای تعدیل‌کننده و مداخله‌گر پرداخته است. یکی از عوامل شناخته‌شده‌ای که می‌تواند بر عمل‌کرد آموزشی دانشجویان اثرگذار باشد و در این پژوهش تحلیل نشده، خودانگاره‌های دانشجویان^{۵۵} در مورد درس اصول حسابداری ۳ و به‌طور کلی رشته‌ی حسابداری است. تحلیل نکردن خودانگاره‌های دانشجویان نیز از محدودیت‌های این پژوهش به شمار می‌رود. با صرف‌نظر از این محدودیت‌ها و با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود که به موازات گسترش حضور موفق دختران در زمینه‌های علمی حسابداری، تمهیدات لازم برای متناسب ساختن مشاغل مرتبط با رشته برای آنان اندیشیده شود.

منابع

- Bayes, P.E, and nash, J.F.** (1989) gender differences in intermediate accounting and accounting information systems. Presented at the 1989 mid-atlantic regional meeting of the American accounting association.
- Brazelton Julia K.** (1998) Issues in Accounting Education.13(3), Accounting & Tax Periodicals p. 509 – 530.
- Canlar, M., Bristol, J.T.** (1988) Female And Male Undergraduate Accounting Students.The Woman CPA 50(2) Accounting & Tax Periodicals pg. 20 - 23.
- Carnegie, G. Mcwatters, C. Ptter, B.** (2003) Accounting, auditing & accountability journal vol. 16 No.2, pp. 186-207.
- Carolfi, I., and C. Pillsbury.** (1996) The hiring of women in accounting academia. Journal of education for business71(3):151-157.
- Collins, A., B. parrish, and D. Collins.** (1998) Gender and the tenure track: some survey evidence. Issues in accounting education 13 (2): 277-299.
- Dwyer, P.** (1994) Gender differences in the scholarly activities of accounting acakemics: an empirical investigation. Issues in Accounting Education 9 (2): 231-243.
- Euben, D.** (2001) show me the money: pay equity in the academy. Academe 87 (4): 30-36.
- Ferastkhah, M.** (2004). Women's, higher education and labor market. Women's research (pazhuish-I zanan). V. 2 (N. 8). pp 147 - 163.
- Fraser, A.lytle, R. & stole, C.** (1978) Profile of Female Accounting Majors: Academic Performance and Behavioral Characteristics. The woman CPA journal. pp. 18-21.

⁵⁵ . Student's Self- concept

- Fuehrer, A., and K.M. schilling.** (1985) The values of academe: sexism as a natural consequence. *Journal of social issues* 41 (4): 29-41.
- Graham, D. L., P. Oreilly, and E. I. rawlings.** (1985) Costs and benefits of advocacy for faculty women: a case study. *Journal of social issues* 41 (4): 85-98.
- Haghighi, H. Akbari, N.** (2005) Analysis of women's participation in social demand for higher education in Iran. *Women's research (pazhuish-I zanan)*. V. 3 (N. 11). pp 69 - 100.
- Hanks, G., shivaswamy, M.** (1985) academic performance in accounting: is there a gender gap?. *Journal of business education* , pp.154-156.
- Hassall, J and Joyce, F.** (2002) *Education + Training*. Vol 43. No 3 . pp. 145-152.
- Janali zade, H. Moghimi, A. Amini M.** (2008). A Sociological Explanation of the Professional Status of Academic Women. *Women's research (pazhuish-I zanan)*. V. 6 (N. 21). pp 47 - 74.
- Institute of Research and Planning in Higher Education.** (2008) Higher education statistics of Iran on 2007 and 2008 (fact book) and also Available in www.irphe.ir (Accessed on may 2009).
- Iranian Association of Certified Public Accountants.** (2009) available in: www.iacpa.ir. Accessed on may 2009.
- Janali zade, Heydar.** (2007) An Analysis of the Women's Status in Elite, Scientific and Professional Institutions. *Women's research (pazhuish-I zanan)*. V. 5 (N.17). pp 173 - 179.
- Keef, S. M, Roush.** (1997) New Zealand evidence on the performance of accounting students. *Issues in Accounting Education* 12, 2 *Accounting & Tax Periodicals* pp. 315-330.
- Lanier, P., and J. Tanner.** (1999) A report on gender and gender-related issues in the accounting professorate. *Journal of education for business* 75 (2):76-82.
- Lipe, M.G.** (1989) further evidence on the performance of female versus male accounting students. *Issues in accounting education*, spring, 144-152.
- Norgaard, C.** (1998) A status report on academic woman accountants. *Issues in Accounting Education* 4 (1): 11-28.
- Rama ,D. collins, R.** (1997) gender differences in publications by promoted faculty. *Issues in Accounting Education* 12(2): 113-125.
- Saftner, D,V.** (1988) The promotion of academic accountants. *Journal of accounting education* (6):55-65.
- Sayre, T.L., S.A. Holmes, J.R. Hassleback, R.H. Strawser, and B.J. Rowe.** (2000) The Association of Gender with Academic Accountant Salaries. *Journal of Accounting Education* Vol. 18, No. 3 pp.189-213.
- Scheuermann, S., Finch, J., Lecky, M., & Scheuermann, L.** (1998) Why women leave public accounting. *Business Forum*, 23(1/2), 36-39.

رابطه‌ی جنسیت و عمل‌کرد آموزشی دانشجویان حسابداری ۹۱

Tyson, T. (1989) grade performance in introductory accounting courses: why female students outperform males. *Issues in accounting education*, spring, 153-160.

Welsh, M.J. Bremser, W.G. (2005) Accounting Faculty Research Collaboration: A Study OF Relationship Benefits and Gender Differences. *Global Perspectives on Accounting Education Vol 2*, 19-36.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی